

بررسی آثار اعتبارات تخصیص یافته به بخش کشاورزی استان مازندران از سوی بانکهای ملی و کشاورزی

دکتر امیرحسین چیدری، احمد زارع*

چکیده

سرمایه یکی از عوامل مهم در تولید محصول به شمار می‌رود و نظام بانکی یکی از بزرگترین منابعی است که می‌تواند با اعطای اعتبار، سرمایه مورد نیاز بخشهای تولیدی کشاورزی را تأمین کند. بخش کشاورزی همانند دیگر بخشها، در مراحل اولیه رشد و توسعه اقتصادی با کمبود سرمایه روبه‌رو بوده است که این سرمایه می‌تواند به چند طریق همچون سرمایه‌گذاری مستقیم بانکها و اعطای اعتبار به کشاورزان تأمین شود. هدف این تحقیق بررسی تأثیر اعتبارات اعطایی بانکهای کشاورزی و ملی بر تولیدات محصولات کشاورزی منطقه مازندران و مقایسه آنها با یکدیگر و همچنین مقایسه ویژگیهای فردی اعتبارگیرندگان در منطقه

* به ترتیب: عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس و دانشجوی کارشناسی ارشد رشته اقتصاد کشاورزی

است. اطلاعات گردآوری شده از راه تهیه و تکمیل پرسشنامه در ارتباط با کشاورزانی است که از اعتبارات بانک کشاورزی و ملی استفاده کرده‌اند. این اطلاعات همچنین از منابع آماری سازمان کشاورزی استان، بانکهای ملی و کشاورزی و مصاحبه با کارشناسان و مسئولان در بانک در منطقه به دست آمده است.

نتایج نشان می‌دهد که اعطای اعتبار، تأثیر مثبت و معنیداری بر تولید کشاورزان داشته است و مقایسه رگرسیون وام گیرندگان از بانک ملی و کشاورزی نیز نشان‌دهنده تأثیر اعتبارات اعطایی بانکها بر میزان تولید آنهاست که تفاوت معنیداری با یکدیگر نداشته است. ارزش نهایی تسهیلات اعطایی هر دو بانک بزرگتر از نرخ سود (بهره بانکی) بوده و کشاورزان از دریافت وام اضافی سود می‌برند.

کلید واژه‌ها:

اعتبارات، ارزش تولید نهایی سرمایه، بانکهای ملی و کشاورزی.

مقدمه

رشد و توسعه اقتصادی هر کشوری در گرو فعالیتهای تولیدی آن بویژه فعالیتهایی است که به ارزش خارجی وابستگی دارد. یکی از موانع عمده رشد و توسعه اقتصادی هر بخش تولیدی، کمبود سرمایه و عدم به کارگیری درست و اصولی منابع سرمایه‌ای موجود است. به طور حتم، سرمایه، همواره در زندگی بشر نقش مهمی را داشته است به گونه‌ای که بدون وجود سرمایه رسیدن به هدفهای آینده ناممکن به نظر می‌رسد. پیشرفت اقتصادی نیز بدون وجود سرمایه امری ناممکن است و اگر ادعا شود که سرمایه، مهمترین عامل تولید محصول (بویژه محصولات کشاورزی) در کشورهای در حال توسعه است، سخنی به گزاف گفته نشده است. کمبود سرمایه در اینگونه کشورها چنان اهمیتی دارد که یکی از ویژگیهای چندگانه آنها را کمبود میزان سرمایه و کالاهای سرمایه‌ای بر شمرده‌اند. اصولاً کشورهای در حال توسعه، به کشورهای فقیر از نظر

سرمایه و یا فقیر از لحاظ پس انداز شهرت دارند^۱.

همان طور که سرمایه به عنوان یکی از مهمترین عوامل در رشد و پیشرفت اقتصادی شناخته شده است، می تواند در استفاده بهینه و مطلوبتر از دیگر عوامل تولید (کارو زمین) نیز مؤثر واقع شود و مدیریت را در افزایش بازدهی نهایی (ارزش تولید نهایی) عوامل دیگر یاری رساند. استفاده مطلوب از سرمایه نیز مستلزم داشتن دانش مدیریت درست و نیرومند است که این دانش را می توان با سرمایه گذاری در نیروی انسانی به دست آورد. اگر سرمایه لازم و بسنده در اختیار بخش کشاورزی قرار گیرد به طور حتم از زمین به عنوان یک عامل مهم تولیدی می توان استفاده بیشتری برد و در آموزش نیروی انسانی و افزایش دادن دانش فنی نیروی کار، گامهای مؤثرتری برداشت. به کار بردن فن آوریهای نوین و تبدیل روشهای سنتی و قدیمی تولید به شیوه های نوین و پیشرفته نیز مستلزم وجود سرمایه و اختصاص سرمایه بیشتر به این بخش است (۱۳).

از کل منابع آب موجود در کشور تنها ۳۰ درصد به طور مطلوب بهره برداری می شود که علت آن نبود سرمایه گذاری و کمبود سرمایه برای انتقال درست آب از منبع آن به پای گیاه است. همچنین علت آنکه در کشور میانگین تولید در واحد سطح هنوز با سطح جهانی فاصله بسیاری دارد، به کار بردن شیوه های سنتی تولید است که این امر به سبب کمبود سرمایه، هنوز فرصت تغییر و تحول پیدا نکرده است (۷،۶).

یکی از راههای تأمین سرمایه بنگاههای اقتصادی، اعطای اعتبار از سوی سیستم بانکی هر کشور به بخشهای اقتصادی است به گونه ای که اعتبارات اصولی و درست و استفاده بهینه از آنها می تواند سهم بسزایی در پیشرفت اقتصادی داشته باشد (۱۴، ۱۲، ۱۰). در نظام بانکی ایران، بانک کشاورزی به عنوان مهمترین بانک اعطاکننده اعتبار به بخش کشاورزی، نقش مؤثری در تأمین سرمایه مورد نیاز این بخش دارد، ولی بانکهای تجاری دیگر نیز با توجه به گستردگی شبکه خود می توانند با اندکی توجه گامهای مؤثر و سودمندی در رونق و پیشرفت تولیدات کشاورزی

۱. مرتضی قره باغیان، اقتصاد رشد و توسعه، جلد دوم، ص ۵۰.

بردارند و در تأمین سرمایه مورد نیاز کشاورزان سهم بسزایی بر عهده گیرند.

هدف بانکها از یک سو جمع آوری سرمایه‌های سرگردان و کوچک موجود در دست مردم و جلوگیری از افزایش تقاضای برخاسته از وجود نقدینگی مازاد است و از سوی دیگر هدایت این سرمایه‌ها به سمت فعالیتهای اقتصادی‌ای است که بتواند دولت را در رسیدن به هدفها و سیاستهای اقتصادی یاری رساند. توزیع اعتبار از راه بانکها در مناطق روستایی افزون بر بهبود بخشیدن وضعیت تولید در بخش کشاورزی و ارتقای سطح آن، باعث بالا رفتن درآمد کشاورزان و بهبود سطح زندگی آنها می‌شود و همچنین از مهاجرت روستاییان به شهرها و اشتغال نیروهای فعال روستایی در شغل‌های کاذب شهری جلوگیری می‌کند. از سوی دیگر با توجه به اینکه بیشتر سرمایه تمامی بانکها به دولت تعلق دارد، بنابراین، بانکها با اعطای اعتبار صحیح و بموقع و نظارت بر مصرف درست آن می‌توانند دولت را در راستای به کار بستن سیاستهای پولی و اقتصادی یاری دهند و مجریان خوبی نیز برای اینگونه سیاستهای دولت و بانک مرکزی باشند.

بررسی نتایج به دست آمده از اعطای اعتبار از سوی بانکها در زمینه افزایش کمی و کیفی تولید، از عمده‌ترین عوامل بهبود در وضعیت توزیع اعتبار است. اگرچه تاکنون پژوهشهایی در زمینه چگونگی توزیع اعتبار از سوی بانک کشاورزی و نقش آن در افزایش تولیدات کشاورزی انجام گرفته است ولی تاکنون پژوهشی که بتواند نقش بانکهای تجاری را در اعطای اعتبار تخصیصی به کشاورزان مورد بررسی قرار دهد، انجام پذیرفته است و از آنجا که اعطای اعتبار از سوی این بانکها به دلیل در اختیار داشتن قسمت عمده سپرده‌های مردم بی‌تأثیر در وضعیت بخش کشاورزی نیست، بنابراین در پژوهش حاضر سعی شده است که تا اندازه‌ای میان نقش اعتبارات اعطا شده از سوی بانک کشاورزی، به عنوان بانکی تخصصی، و بانک ملی، به عنوان بانکی تجاری، مقایسه‌ای انجام گیرد.

تسهیلات اعطایی بانکها به بخش کشاورزی در استان مازندران

استان مازندران یکی از قطبهای کشاورزی در سطح کشور به شمار می آید و فعالیت غالب در این استان، فعالیتهای زیربخش کشاورزی و صنایع وابسته به آن است. با توجه به گستردگی فعالیتهای کشاورزی در سطح استان، انتظار می رود بخش اعظم تسهیلات اعطایی بانکهای استان یاد شده به فعالیتهای کشاورزی پرداخت شده باشد. در این زمینه جدول شماره ۱، کل تسهیلات اعطایی بانکهای استان مازندران را به تفکیک بخش کشاورزی و دیگر بخشهای اقتصادی نشان می دهد.

جدول شماره ۱. اعتبارات اعطایی بانکهای استان مازندران
به بخش کشاورزی

جمع کل	دیگر بانکها	بانک ملی	بانک کشاورزی	سال	
۶۰۰۳۰۸	۳۹۱۲۲۱	۱۴۵۴۹۴	۶۳۵۹۳	کل	۱۳۶۹
۲۲۸۲۵۷	۱۳۱۸۶۴	۳۲۸۰۰	۶۳۵۹۳	بخش کشاورزی	
۷۲۸۰۰۷	۴۳۰۲۰۲	۱۹۷۲۵۶	۱۰۰۵۴۹	کل	۱۳۷۰
۲۵۱۳۰۱	۱۲۹۷۲۸	۲۱۰۱۶	۱۰۰۵۴۹	بخش کشاورزی	
۷۸۳۴۹۲	۴۸۷۰۱۲	۱۸۸۹۸۰	۱۰۷۵۰۰	کل	۱۳۷۱
۲۹۰۹۳۸	۱۵۱۱۸۱	۳۲۲۵۷	۱۰۷۵۰۰	بخش کشاورزی	
۹۸۳۸۲۸	۶۲۹۲۲۳	۲۰۲۴۳۲	۱۵۲۱۷۳	کل	۱۳۷۲
۳۶۴۷۰۹	۱۷۳۶۴۰	۳۸۸۹۶	۱۵۲۱۷۳	بخش کشاورزی	
۱۱۳۱۶۴۸	۷۴۰۶۳۱	۲۰۷۳۱۷	۱۸۳۷۰۰	کل	۱۳۷۳
۴۱۰۷۵۰	۲۰۷۵۰۷	۱۹۵۴۳	۱۸۳۷۰۰	بخش کشاورزی	
۱۲۲۱۰۰۰	۷۴۸۰۰۰	۲۱۷۰۰۰	۲۵۶۰۰۰	کل	۱۳۷۴
۴۶۸۰۰۰	۱۸۶۰۰۰	۲۶۰۰۰	۲۵۶۰۰۰	بخش کشاورزی	

مأخذ: سالنامه آماری سالهای مختلف، سازمان برنامه و بودجه استان مازندران

همان طور که ملاحظه می شود، هواره بیش از تسهیلات اعطایی سیستم بانکی در سطح استان،

به بخش کشاورزی و به طور عمده به زیربخش زراعت، دامپروری و پرورش طیور پرداخت شده است. بررسی تسهیلات اعطایی نشان می‌دهد که بخش اعظم تسهیلات پرداختی بانکها (بویژه بانکهای تجاری) در راستای تأمین هزینه‌های جاری تولید بوده است و درصد تسهیلات پرداختی به منظور تأمین کالاهای سرمایه‌ای و سرمایه ثابت مورد نیاز واحدهای تولیدی، بسیار اندک و ناچیز است. برای نمونه از مجموع اعتبارات اعطایی بانک ملی به بخش کشاورزی در پایان سال ۷۳، نزدیک به ۹۵ درصد تسهیلات اعطایی کوتاهمدت با سررسید کمتر از یکسال و به منظور تأمین هزینه‌های جاری بخش بوده و در همین سال از مجموع اعتبارات بانک کشاورزی نیز ۷۰ درصد به همین منظور و تنها ۳۰ درصد برای تأمین سرمایه‌های ثابت واحدهای تولیدی پرداخت شده است. بخش اعظم تسهیلات اعطایی بانکها در سطح استان، بویژه از سوی بانکهای تجاری، در چارچوب عقد سلف به واحدهای زراعی پرداخت شده است (۵،۴،۳).

تسهیلات اعطایی بانک کشاورزی در سطح استان به تفکیک فعالیتهای مختلف در جدول شماره ۲ آمده است. همان طور که مشاهده می‌شود، همواره درصد بیشتر تسهیلات اعطایی این بانک به فعالیتهای زراعی و باغبانی پرداخت شده است. در سالهای گذشته سهم زیربخش زراعت و باغبانی سیر نزولی به خود گرفته و میزان تسهیلات پرداختی به فعالیتهای دامداری و پرورش طیور افزایش یافته است که این امر گرایش سرمایه‌گذاری بیشتر را در فعالیتهای دامپروری بویژه پرورش طیور نشان می‌دهد. اگرچه تسهیلات اعطایی بانک در سالهای گذشته رشد مثبتی داشته (میانگین تسهیلات اعطایی بانک از ۱۷۴۶۲۳ ریال در سال ۱۳۵۸ به مبلغ ۵۹۲۹۲۱۸ در سال ۷۴ رسیده است) ولی با توجه به گسترده‌گی زمینهای زیرکشت، این مقدار بسیار ناچیز به شمار آمده است (۳)؛ برای نمونه میانگین تسهیلات پرداختی بانک به هر هکتار از زمینهای زیرکشت در سال ۶۸ برابر ۲۴۳۲۵ ریال و در سال ۷۴ برابر ۱۰۲۷۸۶ ریال بوده است.^۱ این مقدار تسهیلات در مقایسه با سرمایه‌های لازم برای فعالیتهای مختلف کشاورزی و تأمین

۱. این میانگین، از تقسیم تسهیلات اعطایی بانک برای فعالیتهای زراعی به سطح زیرکشت محصولات زراعی استان به دست آمده است.

سرمایه‌های لازم برای انجام امور زیربنایی بسیار اندک و ناچیز است، بنابراین، توجه به اعطای تسهیلات به کشاورزان بویژه تسهیلات درازمدت، که به منظور انجام فعالیتهای زیربنایی پرداخت می‌شود، می‌تواند در رونق فعالیتهای کشاورزی مؤثر واقع شود. با توجه به اینکه بیشترین بخش زمینهای زیرکشت در سطح استان را قطعات کوچک تشکیل می‌دهد و فعالیتهای کشاورزی، بویژه فعالیتهای بخش زراعت، به صورت سنتی و خرده مالکی انجام می‌گیرد، بنابراین با هماهنگی میان دستگاههای مسئول در سطح استان و بانکها می‌توان اولویتهای سرمایه‌گذاری را مشخص کرد و با هدایت سرمایه‌ها به سوی فعالیتهای زیربنایی، وضع کشاورزی منطقه را بهبود داد. از جمله این امور می‌توان به طرح یکپارچه‌سازی و تسطیح اراضی اشاره کرد که اجرای آن باعث افزایش بهره‌وری فعالیتهای زراعی، کاهش هزینه‌های تولید، صرفه‌جویی در وقت و منابع تولید و استفاده بهینه از عوامل تولید می‌شود. چنانچه کشاورزان با برتری طرح یکپارچه‌سازی آشنا شوند به طور حتم از اجرای آن استقبال می‌کنند و تمایل بیشتری برای تجمع زمینهای زراعی از خود نشان می‌دهند. در همین راستا تأمین سرمایه لازم برای اجرای این طرح، از راه اعتبار اعطایی بانکها، بی‌گمان مهمترین عامل موفقیت طرح یاد شده به شمار می‌آید.

هدفهای تحقیق

هدف کل این پژوهش، بررسی آثار اعتبارات تخصیص یافته به کل بخش کشاورزی استان مازندران از سوی بانکهای کشاورزی و ملی است؛ ولی هدفهای جزئی عبارت است از:

۱. بررسی مشکلات موجود برای دریافت وام از بانکهای کشاورزی و ملی
۲. بررسی آثار اعتبارات اعطا شده از سوی بانکهای کشاورزی و ملی
۳. مقایسه ارزش تولید نهایی اعتبارات اعطایی و مقایسه آن با نرخ سود بانکی

جدول شماره ۲. درصد تسهیلات اعطایی بانک کشاورزی استان مازندران به تفکیک فعالیتهای مختلف

سال	زراعت و باغداری	دامداری	کرم‌پریشم	صنایع وابسته	صنایع دستی	پرورش ماهی	خدمات کشاورزی	جمع کل
۱۳۶۳	۸۳/۱	۱۰/۸	۰/۴	۰/۳	۰/۳	۰/۱	۵/۰	۱۴۰۱۵
۱۳۶۴	۸۶/۶	۹/۵	۰/۲	۰/۳	۰/۳	۰/۱	۳/۰	۱۹۸۷۱
۱۳۶۵	۸۴/۱	۱۳/۱	۰/۹	۰/۷	۰/۲	۰/۱	۰/۹	۱۸۶۹۷
۱۳۶۶	۸۰/۷	۱۷/۱	۰/۳	۰/۷	۰/۱	۰/۶	۰/۵	۲۴۲۷۴
۱۳۶۷	۷۳/۰	۲۲/۵	۰/۷	۱/۲	۰/۲	۰/۶	۱/۸	۳۲۳۵۶
۱۳۶۸	۶۸/۴	۲۴/۶	۱/۲	۱/۹	۰/۶	۰/۹	۲/۴	۳۹۴۶۲
۱۳۶۹	۶۴/۵	۲۵/۱	۱/۶	۲/۸	۰/۸	۱/۲	۴/۰	۶۳۵۹۳
۱۳۷۰	۵۵/۷	۲۳/۲	۱/۰	۳/۸	۱/۲	۳/۳	۱۱/۸	۱۰۰۵۴۹
۱۳۷۱	۵۴/۲	۲۳/۷	۱/۲	۴/۲	۱/۴	۳/۷	۱۱/۶	۱۰۷۵۶۴
۱۳۷۲	۳۸/۵	۳۸/۸	۱/۰	۴/۶	۰/۷	۱/۶	۱۴/۸	۱۵۲۱۷۳
۱۳۷۳	۴۵/۰	۲۷/۷	۰/۸	۷/۹	۲/۲	۳/۳	۱۲/۱	۱۸۳۶۸۱

مأخذ: سالنامه آماری سالهای مختلف، سازمان برنامه و بودجه استان مازندران

مواد و روشها

بانک کشاورزی، فعالیتهای خود را در بخش کشاورزی متمرکز کرده است. بانک ملی در تمامی بخشهای اقتصادی و بیشتر در بخش بازرگانی و خدمات فعالیت می‌کند. با توجه به اینکه استان مازندران یکی از قطبهای کشاورزی در سطح کشور به شمار می‌آید و فعالیت غالب در آن، فعالیتهای بخش کشاورزی است، بنابراین، به عنوان منطقه مورد مطالعه انتخاب شده است. جامعه آماری مورد بررسی نیز کشاورزانی هستند که از تسهیلات بانک کشاورزی و ملی در سال زراعی ۱۳۷۳ - ۷۴ استفاده کرده‌اند. با توجه به گستردگی استان مازندران و پراکندگی شعب بانکهای کشاورزی و ملی در نقاط مختلف آن، در این پژوهش اطلاعات مورد نیاز از راه نمونه‌گیری از جامعه آماری (اعتبار گیرندگان) به روش چند مرحله‌ای گردآوری شده و روش

بررسی آثار اعتبارات ...

توصیفی نیز برای بررسی ویژگیهای فردی اعتبارگیرندگان، به کار رفته است. همچنین برای بررسی آثار اقتصادی اعتبارات اعطا شده از سوی بانکها و محاسبه ارزش تولید نهایی این اعتبارات، از روش تخمین تابع تولید استفاده شده است.

مقایسه ویژگیهای فردی اعتبارگیرندگان

برای مقایسه ویژگیهای فردی اعتبارگیرندگان از دو بانک ملی و کشاورزی، از معیارهای سن، سطح سواد، میزان فعالیتهای غیر کشاورزی، ارزش داراییهای ثابت، سطح زیرکشت و تعداد نیروی انسانی استفاده شده است. از آنجا که با بالا رفتن سن کشاورزان، قدرت ریسک پذیری آنها کاهش می یابد و کشاورزان پیرتر حاضر به تغییر در روند فعالیت گذشته خود نمی شوند و ترجیح می دهند همچون گذشته به فعالیت خود بپردازند؛ انتظار می رود که پس از آغاز فعالیتهای بانکهای تجاری در امر اعطای تسهیلات به کشاورزان، کشاورزان جوانتر، که قدرت ریسک پذیری بالاتر دارند، روند گذشتگان خود را تغییر دهند و برای دریافت اعتبار، به دیگر بانکها مراجعه کنند به طوری که می توان گفت میانگین سنی کشاورزان وام گیرنده از بانک ملی، از میانگین سنی کشاورزان وام گیرنده از بانک کشاورزی کمتر است (جدول شماره ۳).

اعتبارگیرندگان، از نظر سطح سواد به شش گروه بیسواد، سواد خواندن و نوشتن، ششم ابتدایی، دیپلم، فوق دیپلم، لیسانس و بالاتر طبقه بندی شدند و به گروه، به ترتیب، عددهای ۰ تا ۵ تعلق گرفت. بررسی نشان می دهد که میان وام گیرندگان از دو بانک مورد بررسی، از نظر سطح سواد، تفاوت معنی داری وجود دارد به طوری که میانگین وام گیرندگان از بانک کشاورزی در گروه دارای سواد خواندن و نوشتن و وام گیرندگان از بانک ملی در گروه دارای مدرک ششم ابتدایی قرار می گیرند.

یکی از ویژگیهایی که در فعالیتهای کشاورزی امکان دارد بر تولید محصول از سوی کشاورزان تأثیر غیرمستقیم داشته باشد، فعالیت همزمان کشاورز در دیگر بخشهاست. نتایج به دست آمده از پرسشنامه نشان می دهد که داشتن فعالیتهای دیگر در میان وام گیرندگان از بانک

ملی در مقایسه با وام‌گیرندگان از بانک کشاورزی، از درصد بیشتری برخوردار است (به ترتیب ۵۲ درصد در برابر ۱۵ درصد) و میانگین آنها به طور معنیداری در بین دو بانک با هم اختلاف دارد.

یکی از ویژگی‌های کشاورزی سنتی در مقایسه با کشاورزی صنعتی و مکانیزه، پایین بودن میزان سرمایه‌گذاری ثابت در کشاورزی سنتی است. با توجه به نرخ تورم و استهلاک سالانه دارایی‌های ثابت در وام‌های مورد بررسی، میانگین ارزش دارایی‌های ثابت اعتبار‌گیرندگان از بانک ملی بیشتر از اعتبار‌گیرندگان از بانک کشاورزی است. این موضوع با توجه به مباحث مطرح شده در مورد میانگین سنی و سطح سواد دو گروه نشان می‌دهد که کشاورزان دارای سنین کمتر و سطح سواد بالاتر، تمایل بیشتری برای استفاده از فناوری پیشرفته‌تر و ماشین‌آلات کشاورزی در واحدها از خود نشان می‌دهند، بنابراین، میزان ارزش دارایی‌های ثابت آنها نشان‌دهنده وجود ماشین‌آلات بیشتر در واحدهاست. از آنجا که در گروه اول، کشاورزان به فعالیتهای غیرکشاورزی نیز مشغولند، این دسته از کشاورزان برای گرفتن اعتبار در زمینه خرید ماشین‌آلات و تجهیزات، از درآمد بالاتر و قدرت مالی بهتری برخوردارند. مقایسه سطح زیرکشت در دو گروه وام‌گیرنده از دو بانک نشان می‌دهد که اختلاف معنیداری میان آنها وجود ندارد. میانگین سطح زیرکشت در هر دو گروه کمتر از ۵ هکتار بوده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول شماره ۳. مقایسه ویژگیهای فردی اعتبار گیرندگان از بانک ملی و کشاورزی در استان مازندران

انسانی واریانس	نیروی انسانی (تعداد روزهای کاری)***	سطح زیرکشت (هکتار)		ارزش دولتی جای نایب *** (هزار ریال)		داشتن فعالیت‌های کشاورزی*		سطح سواد*		سن*	
		میانگین واریانس	میانگین واریانس	میانگین واریانس	میانگین واریانس	میانگین واریانس	میانگین واریانس	میانگین واریانس	میانگین واریانس	میانگین واریانس	
۵/۹ × ۱۰ ^۴	۴۲۵	۴/۷	۱۰/۳۴	۷/۰۴ × ۱۰ ^۸	۱۰۹۲۶	۰/۱۵	۰/۵۲	۷/۳۲	۲	۱۳۲	۴۴
۵/۸ × ۱۰ ^۴	۳۹۴	۳/۹	۸/۰۴	۷/۹ × ۱۰ ^۶	۷۳۰۶	۰/۱۳	۰/۱۵	۱/۴	۱	۱۹۹	۵۶

ماخذ: یافته‌های تحقیق

***: از نظر آماری در سطح ۹۹ درصد اختلاف معنیاری میان دو گروه وجود دارد.

***: از نظر آماری در سطح ۹۵ درصد اختلاف معنیاری میان دو گروه وجود دارد.

***: تعداد افراد خانوار و نیروی کار استخدامی به کار گرفته شده بر مبنای تعداد روزها

در محاسبه نیروی کار، تعداد افراد به کار گرفته شده در مراحل مختلف تولید با نیروی کار خانواده و روزهایی که کشاورز به طور مستقیم و یا غیرمستقیم مشغول به فعالیت در واحد بوده، برآورد شده است. با توجه به اینکه تعداد روزهای کاری در گروه اول بیشتر از گروه دوم است، ولی از نظر آماری، میانگین نیروی انسانی در واحدهای دو گروه اختلاف معنی‌داری ندارد.

با توجه به اهمیت زمان در فعالیتهای کشاورزی و اعطای اعتبار، به نظر کشاورزان فصل زمستان (بهمن و اسفند) بهترین زمان اعطای وام از سوی بانکهاست. نظر به اینکه بیشتر کشاورزان نمونه، شالیکار بوده‌اند، در فصل زمستان قیمت اکثر نهاده‌های تولید نسبت به فصلهای دیگر سال پایینتر است. در نتیجه، زمان دریافت وام برای کشاورزان بسیار اهمیت دارد. مدت زمان لازم برای دریافت وام از بانک کشاورزی بیشتر از بانک ملی است به طوری که در بانک کشاورزی منطقه تنها ۲۶/۴ درصد از وام‌گیرندگان موفق به دریافت وام در مدت کمتر از ده روز شده‌اند در حالی که در بانک ملی این مقدار، ۵۱/۷ درصد بوده است (جدول شماره ۴).

جدول شماره ۴. درصد توزیع فراوانی فاصله زمانی درخواست تا دریافت

اعتبار از دو بانک ملی و کشاورزی استان مازندران در سال ۱۳۷۶

زمان	اعتبار‌گیرندگان از بانک ملی	اعتبار‌گیرندگان از بانک کشاورزی
کمتر از ده روز	۵۱/۷	۲۶/۴
بین ۱۰ تا ۲۰ روز	۲۰/۷	۳۴
بین ۲۰ تا ۳۰ روز	۱۰/۴	۵/۶
بیشتر از ۳۰ روز	۱۷/۲	۳۴
کل	۱۰۰	۱۰۰

مأخذ: یافته‌های تحقیق

نتایج به دست آمده از پاسخ به پرسش علت تأخیر در انجام درخواست از سوی بانک چه

بررسی آثار اعتبارات ...

بوده است؟ در جدول شماره ۵ ارائه شده است. در پاسخ به علت تأخیر در پرداخت وام مشخص شد که دلیل عمده این تأخیر از سوی بانک کشاورزی، نوبت بازدید از مزرعه کشاورز و علت تأخیر بانک ملی، نوبت برای تشکیل پرونده و واریز وجه به حساب کشاورز بوده است.

جدول شماره ۵. درصد توزیع فراوانی علت تأخیر در پرداخت اعتبار از

سوی بانک ملی و کشاورزی استان مازندران در سال ۱۳۷۶

عناوین علت تأخیر	بانک ملی	بانک کشاورزی
آماده نبودن مدارک	۱۸/۱	-
نبود اعتبار در شعبه	۳۶/۳	۲/۶
مقررات داخلی شعبه	-	۲۹
دیگر موارد	۴۵/۵	۶۸/۴
کل	۱۰۰	۱۰۰

مأخذ: یافته‌های تحقیق

میانگین تسهیلات اعطایی دو بانک اختلاف معنیدار داشته به طوری که میانگین وام پرداختی بانک ملی برابر ۲۰۹۵۰۰۰ ریال و میانگین وام پرداختی بانک کشاورزی برابر ۱۱۰۹۰۰۰ ریال بوده است. با توجه به اینکه میانگین تسهیلات پرداختی هر دو بانک کمتر از مبلغ لازم برای تأمین سرمایه‌های جاری تولید است، بنابراین، تسهیلات‌گیرندگان از هر دو بانک، مجبور به مراجعه و دریافت وام از منابع دیگر شده‌اند که این مسئله در وام‌گیرندگان از بانک کشاورزی بیشتر بوده است. میانگین وام دریافتی کشاورزان از بانک کشاورزی بیشتر از وام‌گیرندگان از بانک ملی بوده و در مجموع میزان تسهیلات دریافتی هر کشاورز از بانک مورد مطالعه و سر منابع رسمی برای دو گروه اختلاف معنیدار نداشته است. این امر نشان می‌دهد که اگر اولین بانک نتواند هزینه‌های لازم برای تولید کشاورزی را از راه اعتبار تأمین کند، زارع به منابع دیگری مراجعه می‌کند تا بتواند سرمایه مورد نیاز خود را تأمین و برآورده کند. نتایج به دست آمده از این پژوهش نشان می‌دهد که بانک ملی و کشاورزی به ترتیب توانسته‌اند ۵۰

درصد و ۳۰ درصد از نیاز جاری کشاورز را برای تولید، از راه اعتبار، تأمین و پرداخت کنند. به سخن دیگر، تسهیلات اعطایی بانک ملی برای ۵۰ درصد از سرمایه‌های جاری، و تسهیلات اعطایی بانک کشاورزی برای ۳۰ درصد آن بسنده بوده است.

مقایسه آثار تسهیلات اعطایی بانک ملی و کشاورزی

در پژوهشهایی که در آنها روشهای اقتصاد نسبی برای بررسی تأثیر اعتبارات بر سطح تولید به کار رفته، به طور عمده از تابع تولید بویژه تابع کاب-داگلاس استفاده شده است. یکی از دلایل منطقی برای استفاده از تابع تولید این است که سرمایه به عنوان نهاده‌ای مهم در فرایند تولید به کار می‌رود و وجود داشتن یا نداشتن آن به طور حتم بر سطح تولید محصول تأثیر می‌گذارد و باعث تغییر در میزان تولید می‌شود (۱۱). برای بررسی اثر اعطای اعتبار بر تولید محصول کشاورزی استان مازندران از مدل اقتصاد نسبی استفاده شده است. متغیر وابسته، میزان تولید محصولات کشاورزی استان (تن) است و متغیرهای مستقل، سطح زیرکشت (هکتار)، نیروی انسانی (نفرروز) مقدار کود مصرفی، میزان دارایی‌های ثابت و میزان اعتبار دریافتی کشاورز را دربر می‌گیرد.

تابع تولید برآورد شده برای کشاورزان اعتبارگیرنده از دو بانک نشان می‌دهد که کشت عوامل تولید مورد بررسی کمتر از یک است و ضرایب به دست آمده، دارایی‌های ثابت واحدهای تولیدی (۰/۰۳۳)، نیروی کار (۰/۰۴۱)، میزان کود مصرفی (۰/۰۳۶) و میزان اعتبار دریافتی کشاورز (۰/۰۳۲) بوده است. به دیگر سخن، با ثابت نگهداشتن دیگر عوامل، یک درصد افزایش در دارایی‌های ثابت، میزان تولید محصولات کشاورزی استان را به میزان ۰/۰۳۳ درصد افزایش می‌دهد (جدول شماره ۶). به احتمال، علت پایین بودن ضریب دارایی‌های ثابت، سنتی بودن روشهای تولید و کوچک بودن واحدهاست. میزان وام دریافتی توسط کشاورزان، بر تولید تأثیر مثبت دارد و دارای کشش تولیدی به نسبت خوبی نیز هست و نشان می‌دهد که با یک درصد افزایش در میزان اعتبار دریافتی توسط کشاورزان، مقدار تولید محصول در استان برابر

جدول شماره ۶ مقایسه آثار تسهیلات اعطایی بانک ملی و کشاورزی به کمک برآورد توابع تولید

F	D.W	\bar{R}^2	R ²	میزان اعتبار دریاچه	میزان دارایی های ثابت	میزان دارایی های جاری	مقدار کد مصرفی	نیروی انسانی (فروز)	توابع تولید اعتبار گیرندگان
۶۵	۲/۰۶	۰/۷۴	۰/۷۵	۰/۳۲ (۴/۱۱)*	۰/۳۳ (۷/۲۵)**	۰/۳۶ (۵/۶)**	۰/۴۱ (۳/۹۷)*	تابع تولید اعتبار گیرندگان	
۳۶/۶	۲/۱۳	۰/۷۶	۰/۷۸	۰/۳۲ (۱/۶۴)**	۰/۵۷ (۲/۹۹)**	۰/۳۲ (۲/۶۷)**	۰/۵۵ (۳/۹۶)*	تابع تولید اعتبار گیرندگان از بانک ملی	
۳۸	۲/۲۵	۰/۷۴	۰/۷۶	۰/۱۵ (۱/۲۷)	-۰/۰۱۱ (-۰/۵۲)	۰/۴۷ (۵/۵۶)**	۰/۴۱ (۲/۵۹)*	تابع تولید اعتبار گیرندگان از بانک کشاورزی	

مأخذ: یافته های تحقیق

*: در سطح ۹۹ درصد معناری.

** : در سطح ۹۵ درصد معناری.

۳۲/۰ درصد افزایش می‌یابد. از آنجا که اعتبارات اعطایی هر دو بانک کشاورزی و ملی استان برای تأمین سرمایه‌های جاری کشاورزی بوده است، بنابراین، کشش بالای اعتبارات در مدل نشان‌دهنده تأثیر در خور توجه سرمایه‌های جاری در تولید است که این امر خود دلیلی دیگر برای پایین بودن سطح فناوری در واحدهاست. مجموع کشش عوامل تولید در تابع کاب-داگلاس نشان‌دهنده بازده نسبت به مقیاس است. مجموع کشش عوامل تولیدی در تابع پیشگفته برابر ۱۲/۱ است. با انجام آزمون فرض ثابت بودن بازده نسبت به مقیاس واحدها تأیید می‌شود.

در تخمین تابع تولید اعتبارگیرندگان از بانک ملی، ضرایب اعتبار همانند تابع تولید کل به طور کامل معنیدار است و علامت مثبت دارد و نشان می‌دهد که در صورت ثابت بودن دیگر عوامل، با یک درصد افزایش در اعتبار اعطایی بانک ملی، میزان تولید به مقدار ۳۴/۰ درصد افزایش می‌یابد. در تخمین تابع تولید اعتبارگیرندگان از بانک کشاورزی، میزان اعتبار دریافتی، اثر مثبت بر تولید محصولات کشاورزی دارد. ولی آثار آن از بانک ملی کمتر است و از نظر آماری معنیدار نیست.

در این مطالعه، برای مقایسه دو رگرسیون و به منظور بررسی وجود داشتن یا نداشتن اختلاف میان آنها، از دو روش استفاده شده است. نخستین روش با بهره‌گیری از آزمون چاو^۱ انجام گرفت. آزمون چاو پنج مرحله مختلف دارد. با به کارگیری این آزمون، فرض اختلاف میان دو رگرسیون رد می‌شود و می‌توان گفت که دو رگرسیون، هم در شیب و هم در عرض از مبدأ با یکدیگر اختلاف معنیداری ندارند؛ ولی از آنجا که آزمون چاو مقایسه کلی میان دو رگرسیون است و نمی‌تواند ضرایب متغیرهای موجود در مدل را با یکدیگر مقایسه کند، از این رو به منظور مقایسه ضرایب موجود در دو مدل (عرض از مبدأ و شیب رگرسیون)، از متغیرهای موهومی (Dummy Variabal) استفاده شد.

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که دو رگرسیون، هم در شیب و هم در عرض از مبدأ، تفاوت معنیداری با یکدیگر ندارند در نتیجه، اثر اعتبار اعطایی به کشاورزان بر تولید محصولات

کشاورزی در هر دو بانک، با یکدیگر اختلاف معنیداری ندارد و این فرض که تسهیلات اعطایی بانک کشاورزی دارای آثار تولیدی متفاوت با آثار تولیدی بانک ملی است، به اثبات نمی‌رسد و می‌توان گفت که تسهیلات اعطایی هر دو بانک آثاری مشابه در تولید محصول کشاورزان دارد.

ارزش نهایی سرمایه‌های جاری (VMP) و مقایسه آن با نرخ سود بانکی

نرخ سود مورد انتظار بانکها^۲ در واقع نسبت سرمایه‌ای است که به صورت اعتبار در اختیار کشاورزان قرار می‌گیرد و چنانچه کشاورزی ارزش تولید نهایی سرمایه‌اش کمتر از نرخ سود تسهیلات دریافتی از بانک باشد نه تنها از گرفتن اعتبار سود نمی‌برد بلکه زیان نیز می‌بیند؛ برعکس اگر ارزش تولید نهایی سرمایه در یک واحد زراعی بیشتر از نرخ سود مورد انتظار بانکها باشد به طور حتم کشاورز از دریافت اعتبار سود خواهد برد و تا جایی می‌تواند به دریافت اعتبار ادامه دهد که رابطه برابری $VMP_x = P_x$ برقرار باشد. چنانچه ارزش تولید نهایی نهاده بیشتر از قیمت آن نهاده (P_x) باشد ($VMP_x > P_x$) در این صورت استفاده از نهاده اضافی، ارزشی برای تولیدکننده به همراه خواهد داشت و اگر از نهاده به مقداری استفاده شود که ارزش تولید نهایی آن کمتر از قیمت آن نهاده باشد ($VMP_x < P_x$) به طور حتم تولیدکننده از مصرف آن نهاده زیان می‌بیند و تولید در نقطه حداکثر سود نخواهد بود. برای این منظور باید ارزش تولید نهایی سرمایه (VMP_k) به دست آمده از به کار بردن سرمایه برای واحدهای تولید، برآورد و با نرخ سود تسهیلات اعطایی بانکها مقایسه شود تا مشخص شود که آیا کشاورزان از گردش اعتبار سود برده‌اند یا مبلغی بیشتر از ارزش تولید نهایی اعتبار به عنوان سود به بانکها پرداخته‌اند؟ با توجه به اینکه اعتبار اعطایی بانکها برای تأمین سرمایه‌های جاری بوده است، بنابراین باید کشش تولیدی سرمایه‌های جاری مشخص شود تا بتوان سرمایه را برآورد کرد. برای محاسبه ارزش تولید نهایی سرمایه‌های جاری (VMP_k) از روش کشش تولید و از

1. Value of Marginal Product

۲. در بانکداری بدون ربا حداقل سود مورد انتظار جایگزین نرخ بهره شده است.

حاصل ضرب کشش سرمایه‌های جاری (E_{ki})، متوسط سرمایه‌های جاری (AP_{ki}) و ارزش محصول (P_{yi}) به صورت زیر به دست می‌آید:

$$E_{ki} = \frac{\gamma y_i}{\gamma x_i} \times \frac{x_i}{y_i}$$

$$E_{ki} = MP_{ki} \frac{1}{AP_{ki}}$$

$$MP_{ki} = E_{ki} \times AP_{ki}$$

$$VMP_{ki} = (E_{ki} \times AP_{ki}) P_{ki}$$

با استفاده از این روش، ارزش تولید نهایی سرمایه‌های جاری که مقدار آن برابر با $VMP_{ki} = ۰/۱۹۸$ است، محاسبه شد. به دیگر سخن، ارزش تولید نهایی سرمایه‌های جاری ۱۹/۸ درصد است. با توجه به اینکه نرخ سود مورد انتظار تسهیلات اعطایی بانکها برای تأمین سرمایه‌های جاری فعالیتهای کشاورزی از سوی شورای پول و اعتبار در سال ۱۳۷۶ برابر ۱۶ درصد تعیین شده است، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که دریافت تسهیلات از سوی کشاورزان اضافه ارزش برای آنها به همراه داشته است. باید گفت که در محاسبه سرمایه‌های جاری، هزینه‌هایی که کشاورزان برای دریافت وام متحمل شده‌اند، در نظر گرفته شده است.

مقایسه سرمایه‌های جاری مصرف شده از سوی کشاورزان نشان می‌دهد که بانک ملی و کشاورزی تنها توانسته‌اند به ترتیب ۵۰ درصد و ۳۰ درصد سرمایه‌های جاری کشاورزان (بدون هزینه پرداخت دستمزد نیروی انسانی) را از راه اعتبار، تأمین کنند و در اختیار کشاورزان قرار دهند.

خلاصه و نتیجه‌گیری

در پایان این مقاله خلاصه‌ای از مراحل مختلف پژوهش حاضر که طی دو مرحله مطالعات کتابخانه‌ای و عملیات میدانی انجام گرفت، ارائه می‌شود. بررسی تسهیلات اعطایی بانکها در سالهای بعد از انقلاب، بویژه پس از اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا، نشان‌دهنده رشد سهم بخشهای تولیدی (صنعت و کشاورزی) و کاهش سهم بخش خدمات است به طوری که سهم بخش خدمات از $65/7$ درصد در سال 1350 به $16/8$ درصد در سال 73 کاهش و سهم بخش کشاورزی در طی همین مدت از $6/3$ درصد به $15/9$ درصد افزایش یافته است. همچنین بررسی تسهیلات اعطایی بانکها به بخش کشاورزی نشان‌دهنده گسترش فعالیت بانکهای تجاری در اعطای تسهیلات به بخش کشاورزی است به طوری که در سالهای اخیر هواره درصد شایان توجه‌ای از مانده تسهیلات اعطایی سیستم بانکی در بخش کشاورزی به بانکهای تجاری تعلق داشته است و با توجه به سیاستهای اعتباری بانک مرکزی انتظار می‌رود این روند همچنان ادامه پیدا کند.

تسهیلات اعطایی بانک کشاورزی به قیمت جاری در طی سالهای پس از انقلاب، رشد به نسبت خوبی داشته است ولی بعد از تبدیل تسهیلات پرداختی این بانک به قیمت ثابت ملاحظه می‌شود که رشد تسهیلات پرداختی بانک کند و ناچیز بوده است. اگرچه در سالهای پس از انقلاب، هواره بر میزان تسهیلات اعطایی بانک، به منظور تأمین سرمایه‌های ثابت واحدهای کشاورزی افزوده شده است. ولی در سالهای اخیر، دوباره توجه بانک، بیشتر معطوف به اعطای تسهیلات برای تأمین هزینه‌های جاری به کشاورزان شده و پرداخت درصد زیادی از تسهیلات به صورت کوتاهمدت با سررسید کمتر از دو سال انجام گرفته است. میانگین تسهیلات اعطایی بانک در طی سالهای مورد بررسی هواره در حال افزایش بوده به طوری که میانگین آن از 174623 ریال در سال 1358 به مبلغ 5929218 ریال در سال 74 رسیده است.

بررسی تسهیلات اعطایی دو بانک کشاورزی و ملی در سطح منطقه مورد مطالعه نشان می‌دهد که بانک کشاورزی نسبت به بانک ملی درصد بیشتری از تسهیلات اعطایی خود را

برای تأمین سرمایه‌های ثابت به کشاورزان پرداخت کرده است در حالی که بانک ملی بخش اعظم تسهیلاتش را به منظور تأمین سرمایه‌های جاری و به صورت کوتاهمدت و به طور عمده از راه عقد سلف به کشاورزان پرداخته است. بیشتر تسهیلات اعطایی بانک ملی به فعالیتهای زراعی، که فعالیت غالب در منطقه به شمار می‌آید، پرداخت شده است در حالی که پرداخت تسهیلات اعطایی بانک کشاورزی در سالهای اخیر نشان می‌دهد که سهم بخش زراعت از این تسهیلات کاهش و سهم زیربخشهای دیگر کشاورزی (بویژه دامپروری و پرورش طیور) افزایش یافته است.

بررسی ویژگیهای وام‌گیرندگان از دو بانک، وجود اختلاف معنیداری را در میانگین سن، سطح سواد و اشتغال به فعالیتهای دیگر ضمن انجام فعالیتهای کشاورزی نشان می‌دهد، به طوری که میانگین سن وام‌گیرندگان از بانک ملی کمتر و سطح سواد آنها بالاتر از وام‌گیرندگان از بانک کشاورزی است.

بررسی میزان عوامل تولید به کار گرفته شده از سوی دو گروه نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری ثابت در واحدهای تولیدی گروه اول (وام‌گیرندگان از بانک ملی) بیشتر از گروه دوم (وام‌گیرندگان از بانک کشاورزی) است و میانگین سرمایه‌گذاری دو گروه با یکدیگر دارای اختلاف معنیداری است. میانگین سطح زیرکشت دو گروه با یکدیگر اختلاف معنیدار ندارد و در هر دو گروه کمتر از ۵ هکتار است. نیروی به کار گرفته شده در مراحل مختلف تولید و نیز میزان سم، کود و بذر مصرف شده در دو گروه، اختلاف معنیداری ندارد.

به منظور بررسی تأثیر اعتبار بر تولید کشاورز و تعیین کشش تولیدی اعتبار، نخست تابع تولید کل برای دو گروه تخمین زده شد. در این زمینه تمامی متغیرهای مستقل موجود در مدل، ضریب مثبت بر تولید داشته و مقدار ۱ به دست آمده در سطح ۱ و ۵ درصد معنیدار بوده است. ضریب اعتبار، که به صورت یک نهاده مستقل وارد تابع تولید شد، برابر با ۳۲ درصد است. این ضریب، کشش تولید اعتبار را نشان می‌دهد و نسبت به دارایی‌های ثابت، که کشش تولیدی آنها برابر ۳۳٪ است، مقدار بیشتری دارد و نشاندهنده آن است که سرمایه‌های جاری، نقش

مهمتری را در تولید نسبت به دارایی‌های ثابت ایفا می‌کند. این نتیجه با ویژگی واحدهای کشاورزی، که بیشتر آنها به صورت سنتی و نیمه صنعتی اداره می‌شوند، به طور کامل مطابقت می‌کند؛ در واقع نقش اعتبار در میزان تولید دو گروه، مثبت و موافق با تابع تولید کل است.

پیشنهادها

با توجه به نتایج به دست آمده از این پژوهش، پیشنهادهایی به شرح زیر ارائه می‌شود و انتظار می‌رود که این پیشنهادها باعث بهبود کیفیت اعتبارات و افزایش آثار تولیدی آن شود:

۱. افزایش حد مجاز تسهیلات اعطایی به بخش کشاورزی حداقل به میزان سهم این بخش در تولید و درآمد ناخالص ملی از سوی بانک مرکزی تعیین شود و همچنین ترغیب و تشویق بانکها بویژه بانکهای تجاری در مصرف حد مجاز مصوب تسهیلات اعطایی از راه بانک مرکزی برای بخش کشاورزی انجام گرفت.

۲. منابع لازم بانک کشاورزی برای اعطای تسهیلات به کشاورزان تأمین شود به طوری که این بانک بتواند انتظارات در نظر گرفته شده در برنامه‌های اقتصادی را برآورده و نقش خود را در توسعه بخش کشاورزی ایفا کند. گفتنی است که یکی از دلایل عمده پایین بودن میانگین تسهیلات اعطایی بانک کشاورزی در مقایسه با دیگر بانکها، محدود بودن منابع آن است.

۳. گسترش شعب بانک کشاورزی و نزدیک کردن فاصله شعب با محل زندگی روستاییان انجام گیرد به گونه‌ای که دسترسی کشاورزان به این بانک در حداقل زمان ممکن امکانپذیر شود.

۴. کشاورزان در امر هدایت پس‌اندازهایشان به سوی بانک کشاورزی ترغیب و تشویق شوند. به طور حتم این امر باعث تقویت بنیه مالی این بانک و تجهیز منابع آن خواهد شد. همچنین برنامه‌های ترویجی به منظور بالا بردن دانش و آگاهی کشاورزان برای استفاده بهتر از نهاده‌ها (بویژه سرمایه) اجرا شود.

۵. حسابها و سپرده نهادهای مسئول در امر کشاورزی نزد بانک تخصصی این بخش یعنی

بانک کشاورزی تمرکز داده شود.

۶. بانکهای اطلاعاتی در سطح منطقه ایجاد شود به گونه‌ای که بتوانند به اعطای تسهیلات از سوی بانکها کمک کنند و مانع از دریافت وامهای مکرر و مشابه یک کشاورز از چند بانک و عدم موفقیت دیگر کشاورزان برای گرفتن تسهیلات از منابع اعتباری شوند.

۷. میان بانکهای منطقه هماهنگی لازم انجام گیرد به طوری که از اعطای تسهیلات مشابه به یک کشاورز از سوی چند بانک جلوگیری شود.

۸. افزایش سقف تسهیلات اعطایی به هر کشاورز متناسب با نیاز واقعی وی باشد به گونه‌ای که تسهیلات اعطایی اولین بانک نیاز کشاورز را برآورده کند و از مراجعه کشاورز به دیگر منابع جلوگیری کند.

۹. بانکها نظارت دقیق و مستمر بر مصرف تسهیلات اعطایی به کشاورزان داشته باشند تا از انتقال اعتبارات اعطا شده به دیگر بخشهای اقتصادی جلوگیری کنند چرا که نرخ سود تسهیلات بخش کشاورزی از دیگر فعالیتها کمتر است و نبود نظارت کافی و مستمر در این زمینه، تمایل وام‌گیرندگان برای انتقال سرمایه به دیگر بخشها (بویژه خدمات) را افزایش می‌دهد.

۱۰. کادر کارشناسی لازم در بانکهای تجاری تقویت شود به گونه‌ای که بتوانند بر نحوه مصرف تسهیلات اعطایی این بانکها فعالانه شرکت و از هدایت سرمایه‌ها به بخشهای دیگر جلوگیری کنند.

۱۱. زمان پرداخت وام به کشاورزان با فعالیتهای زراعی آنها متناسب شود به طوری که تسهیلات پرداختی را بتوان موقع و در زمان نیاز واقعی کشاورزان در اختیارشان قرار داد.

۱۲. مدت زمان لازم برای اعطای تسهیلات کاهش یابد به گونه‌ای که در حداقل زمان ممکن، تسهیلات در اختیار کشاورز قرار گیرد تا از مسافرتهای اجباری وی که باعث اتلاف وقت او می‌شود جلوگیری شود.

۱۳. سرمایه‌گذاری بیشتر بانکها، بویژه بانکهای تجاری، در امور زیربنایی کشاورزی انجام گیرد تا ساختار تولید این بخش اصلاح شود و زمینه برای جذب سرمایه‌های بخش خصوصی

نیز فراهم آید.

۱۴. کاهش مراحل اداری و از میان بردن مراحل زائد در طی فرایند اعطای تسهیلات انجام پذیرد و مقررات بانکها (بویژه بانکهای تجاری) در گرفتن وثیقه از کشاورزان آسانتر شود.

منابع

۱. اف والیس. کنت، (۱۳۷۳) اقتصادسنجی کاربردی، ترجمه حمید ابریشمی، انتشارات سمت، تهران.
۲. بانک کشاورزی، اداره بررسیهای اقتصادی، گزارش عملکرد سالهای مختلف.
۳. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، اداره بررسیهای اقتصادی، ترازنامه و گزارشهای اقتصادی سالهای مختلف.
۴. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، اداره حسابهای اقتصادی، حسابهای ملی ایران، سالهای مختلف.
۵. بانک ملی ایران، اداره آمار و بررسیهای اقتصادی، گزارش عملکرد سالهای مختلف.
۶. برانسون، ویلیام. اچ (۱۳۷۲)، تئوری و سیاستهای اقتصاد کلان، ترجمه عباس شاکری، جلد اول، نشرنی، تهران.
۷. تفضلی، فریدون (۱۳۷۰) اقتصاد کلان، نظریه‌ها و سیاستهای اقتصادی، نشرنی، تهران.
۸. قره‌باغیان، مرتضی (۱۳۷۱)، اقتصاد رشد و توسعه، نشرنی، تهران.
۹. گجراتی، دامودار (۱۳۷۲)، مبانی اقتصادسنجی، ترجمه حمید ابریشمی، انتشارات دانشگاه تهران.

10. Gershon Feder, J. Lawrence (1990) The relationship between credit and productivity in Chinese agriculture. A microeconomic model of disequilibrium, *Amer. J. Agr. Econ.*
11. Heady Earlo, J.L. Dillon. (1988), Agricultural production functions, Kalyani Publishers.
12. Michael R.C and Keith D. Wiebe (1990), Access to capital and its impact on Agrarian structure and productivity in Kenya. *Amer. J. Agr. Econ.* vol. 27. No. 50.
13. Sankhajan, P.L. (1988), Introduction to the economics of agricultural production, Prentice Hall.
14. Meyer, Richard. L. (1990), Analyzing the farm - Level impact of agricultural credit: Discussion, *Amer. J. Agr. Econ.* December, Vol 27, No 5.
15. Krause M. A., R. R. Deuson. (1990), Risk sharing versus low - cost credit systems for international development, *Amer. J. Agr. Econ.* Nove. Vol 27 No 4.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی